

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال پنجم-شماره بیستم-بهار ۱۴۰۴-ص ۲۵۴-۲۷۱

چارچوب جهاد در اسلام و تفاوت آن با جنگ

زهرا امیری^۱

شهلا لوئی یوسفی^۲

چکیده

تحقیقی که پیش روست تحت عنوان چارچوب جهاد در اسلام و تفاوت آن با جنگ، به بررسی موضوع جهاد، از منظر اصول و چارچوب‌های مورد تایید دین اسلام می‌پردازد. مسئله اصلی تحقیق این است که دین اسلام بر چه اساسی جنگ را توجیه و تجویز می‌کند و چه اصول، چارچوب‌ها و محدودیت‌هایی برای مسلمین در وضعیت‌های جنگی قائل است. برای پاسخ به این مسئله با استفاده از روش اسنادی و مراجعه به کتب مرتبط سعی شده تا به نظریه اسلام در باب جهاد و تفاوت آن با جنگ‌های رایج در جوامع انسانی دست یابیم. نتایج به دست آمده از این تحقیق را می‌توان در این جمله خلاصه کرد که: اسلام به دنبال تبدیل جنگ به جهاد است چرا که جهاد چارچوب و محدودیت‌هایی الهی انسانی دارد. بر این مبنا تفاوت‌های جنگ و جهاد را در این مقاله از چند منظر طبقه بندی کردیم که از این قرار است: تفاوت در مبنا و اصول، تفاوت در نگاه انسانی به دشمن، تفاوت در روش، تفاوت در تعریف مفاهیمی چون شکست، کشته شدن در جنگ، تفاوت در شدت برخورد با دشمن شکست خورده بر اساس مبنای خاص نه مطابق میل و خواست اشخاص و...

کلید واژه‌ها: جنگ، جهاد، چارچوب اسلامی انسانی

^۱ کارشناس ارشد علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، دبیرآموزش و پرورش، آدرس ایمیل: r.amiri.55.06@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد الهیات از دانشگاه پیام نور لواسانات، طلبه سطح سه رشته تفسیر از جامعه الزهرا (س) قم، مبلغ و فعال فرهنگی، آدرس ایمیل: yousefishala84@gmail.com

مقدمه

هنر اسلام تبدیل جنگ به جهاد است. در جنگ صرف غلبه بر دشمن و پیروزی موضوعیت دارد و برای رسیدن به این هدف از هر وسیله ای بهره برده می شود. اما جهاد نهایت تلاش مسلمانان در رفع موانع توحید، رشد و کمال انسان است. لذا در جهاد، صرف پیروزی موضوعیت ندارد بلکه علل جنگ، انگیزه ها و روش ها هم مهم می شوند و به همین جهت است که در قرآن و روایات قیدهایی بر جهاد زده شده است. متأسفانه حتی برخی مسلمین به دلیل عدم شناخت این قیدها و شروط، وجود جهاد در اسلام را نقطه ضعف این دین می دانند و آن را نشانه خشونت و خودخواهی تلقی می کنند، علت این برداشت غلط در پی عدم شناخت قیود جهاد، یکسان دانستن جنگ و جهاد است. پس ضرورت دارد در این تحقیق به دنبال آشنایی با این مهم باشیم که دین اسلام تجویز بی قید و شرط جنگ ندارد و ضوابطی بر جهاد حاکم است که آن را از خشونت و خودمحوری دور می کند، اما عدم آشنایی و هم چنین عمل نکردن برخی گروه های به ظاهر مسلمان به شروط و قیود جهاد، در ترویج عقیده ی وجود جنگ خشن و بی ضابطه در دین اسلام مؤثر بوده است که در این پژوهش به دنبال اثبات بی اساس بودن نظر و عمل آنها هستیم. قیده های الهی و انسانی جهاد که آن را به چارچوبی مبدل می کند که در قالب آن می توان به شکل خداپسندانه و با کمترین آسیب جنگید. پیشنهاد پرداختن به موضوع جهاد قدمتی طولانی دارد و در این زمینه کتاب های فراوانی نوشته شده است، از کتاب کم حجم جهاد مرتضی مطهری و کتاب جامع جنگ و جهاد محمد تقی مصباح گرفته تا تفاسیر معتبری که ذیل آیات جهاد به تفسیر و تبیین این موضوع پرداخته اند. در میان کتب قطور فقهی و روایی معمولاً فصول جداگانه ای در باب جهاد وجود دارد. اما تحقیقی که به طور همه جانبه به بررسی قیود و چارچوب های حاکم بر جنگ و جهاد بپردازد و به دنبال مشابهت و تفاوت این دو موضوع در زمینه هدف، روش ها و ابزار مورد استفاده باشد، کمتر یافت می شود به همین دلیل این موضوع را پیگیری می کنیم.

۱- مفهوم شناسی:

۱-۱: معنای لغوی و اصطلاحی چارچوب:

الف: تعریف لغوی چارچوب:

چارچوب اسم مرکب است که به معنی هر چهارچوب دروازه یعنی هر دو چوب بالا و فرود و هر دو چوب بازوی در. چارچوب در. چارچوبه. چهار قطعه چوبی که در حاشیه ُ چیزی قرار دهند مثل چارچوب عکس ؛ قاب عکس . چاچوب مجازاً به معنی چارستون بدن آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۷۹۷۱)

ب: تعریف اصطلاحی چارچوب:

چارچوب در زبان فارسی به معنای ساختار یا قالبی یا محدوده‌ای است که به یک موضوع یا مفهوم شکل می‌دهد. (همان)

و در این پژوهش به معنای محدودیت‌ها و قیدهای و شروطی است که بر یک مفهوم مثل جهاد در دین اسلام زده می‌شود و حرکت در محدوده از این چارچوب ماهیت جنگ را به جهاد تبدیل می‌کند.

۱-۲: معنای لغوی و اصطلاحی جنگ:

الف: تعریف لغوی جنگ:

جنگ در لغت یعنی جدال و قتال کارزار. ستیزه. نبرد. پیکار. غزوه. حرب. رزم. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۷۸۷۸)

ب: تعریف اصطلاحی جنگ:

جنگ به نبرد و درگیری مسلحانه بین حداقل دو گروه انسانی گفته می‌شود. (همان)

ج: کاربرد واژه جنگ در قرآن:

در قرآن از واژگان متعددی به معنای جنگ استفاده شده است عبارتند از:

- حرب و محاربه: این واژگان علاوه بر استعمال در معنای جنگ نظامی، در مورد رباخواری که نوعی اعلام جنگ با حکم خداست و در مورد مسجد ضرار و تدارک جنگ های روانی منافقان هم به کتار رفته است.
- قتل و قتال: قتل به معنای کشتن یک طرفه و قتال به معنای جنگ و درگیری دو طرفه است.

- سفک دم یا خونریزی که اعم از قتال است و شامل قتل هم می شود.

باید یادآور شد که از میان واژگان حرب، محاربه، قتل، قتال و سفک دم که در قرآن برای جنگیدن به کار رفته اند هیچ کدام بار ارزشی و معنایی مثبت ندارند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۱۸)

۳-۱- معنای لغوی و اصطلاحی جهاد:

الف: تعریف لغوی جهاد:

واژه جهاد در لغتنامه فارسی دهخدا به معنی قصد بسوی دشمن کردن به حرب . کارزار کردن با دشمنان در راه خدا. جنگیدن در راه حق . جنگ دینی . غزوه مسلمانان با کافران به کار رفته است. جهاد یکی از ابواب فقه بشمار می رود که در آن احکام شرعی و مسائل آن گفته می شود و گاه احوال عادی و قواعد حکمی آنرا در کتاب های مستقلی ذکر می کنند و آنرا در ضمن علوم از قبیل علم لشکرکشی (ترتیب عسکر) و علم تجهیزات جنگی یا آلات حرب مورد بحث قرار می دهند ولی بهتر است که در مبحث جهاد از همه ً این مسائل بحث شود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۷۹۲۱) معنی جهاد در لغتنامه عربی مفردات الفاظ قرآن با ریشه یابی کلمه آغاز می شود، جهاد از ریشه جهد است. جهد به معنای طاقت و سختی و همچنین به معنای تلاش فراوان می باشد. جهاد و مجاهده به معنای تلاش کردن یعنی به کار گرفتن نیرو و توان خویش برای تحقق بخشیدن به یک هدف هم می باشد، لیکن چون از باب مفاعله است معمولاً در مواردی به کار می رود که نوعی همکاری و رقابت و تقابل در آن وجود دارد بنابراین در جهاد طرف دیگری هم در کار است و دو طرف در برابر هم صف آرایی کرده هریک برای دستیابی به هدف خویش و پیروزی بر دیگری به فعالیت می پردازند و هرچه در توان دارند به کار می گیرند. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۸، ۶۶۷)

ب: تعریف اصطلاحی جهاد:

جهاد در اصطلاح به معنای به کار بردن تمام توان برای دفع دشمن می باشد و سه گونه دارد:

- جهاد با دشمن ظاهری
- مبارزه با شیطان
- مبارزه با نفس (همان : ۶۶۷)

پس باید توجه داشت که جهاد تنها شکل نظامی ندارد و هر نوع مبارزه و پیکاری خواه نظامی باشد یا اقتصادی یا فرهنگی و یا سیاسی را در بر می گیرد. اما در کل بهترین معنایی که برای جهاد در معنای اصطلاحی ارائه شده این باشد که "جهاد یعنی نثار جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپاداشتن شعائر ایمان " باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۲۱)

در این پژوهش مقصود از جهاد گونه اول آن یعنی جهاد با دشمن ظاهری است.

ج: کاربرد واژه جهاد در قرآن:

به جز دو آیه در قرآن (آیه ۱۵ لقمان و ۶ عنکبوت) که در آن تلاش و کوشش پدر و مادر برای مشرک کردن فرزند خود جهاد خوانده شده، آیات دیگر در مورد کوشش های به کار رفته که انسان در مسیر تحقق اهداف صحیح و خداپستندانه انجام می دهد و بار ارزشی مثبتی دارد. در قرآن جهاد با قید فی سبیل الله بار معنایی مثبت و ارزشی داشته و در سه زمینه به کار رفته است:

- جهاد با جنبه نظامی: هنگام تهدید جان مسلمین و تهدید دین آنها (معنای مصطلح که آمیخته با جهاد نفس است)
- جهاد با جنبه اقتصادی مثل تأمین هزینه های جنگ با کفار و مشرکان و منافقان، کمک به فقرا و بیماران و دردمندان، ساختن راه و جاده و مدرسه و بیمارستان و...
- جهاد و مخالفت با نفس اماره که در روایات جهاد اکبر نامیده شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳ ، ۱۹)

د- فضیلت و اهمیت جهاد در قرآن

در آیات و احادیث متعدد فضائل دنیوی و اخروی جهاد مطرح شده است. به موجب آیه ۹۵ سوره نساء کسانی که جان و مالشان را در راه خدا فدا کنند در درگاه الهی از دیگر مسلمانان برترند و خداوند به آنها مژده بهشت و دستیابی به مقام شهادت داده است و مقام مجاهدان راه خدا برتر از کسانی دانسته شده که در جهاد شرکت نمی کنند. در آیه ۸۸ توبه، جهاد با اموال و جان ها از اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیروانش به شمار رفته است، در آیه ۱۰ و ۱۱ سوره صف جهاد مؤمنان در راه خدا به منزله تجارت با خداوند و این تجارت همواره سودمند به شمار رفته است. در آیه ۲۴ انفال جهاد مایه حیات انسان ها دانسته و بدان ترغیب شده است و در آیه ۱۹ سوره توبه، جهاد از بسیاری از کارهای نیک مانند سیراب کردن حاجیان یا آباد کردن خانه خدا برتر به شمار رفته است.

ه: تقسیم بندی جهاد در قرآن:

در قرآن جهاد شامل جنگیدن با هشت گروه است که عبارتند از :

۱: جنگ با مشرکان

۲: جنگ با کفار

۳: جنگ با اهل کتابی که با مسلمین سر جنگ دارند تا زمانی که آنان به دین حق درآیند یا به حکومت اسلامی جزیه بپردازند و در برابر مسلمانان از برتری جویی و تفوق طلبی دست بردارند.

۴: جنگ با منافقان طبق مفاد آیه ۷۳ سوره توبه

۵: جنگ با اهل بغی و سرکشی از دو گروه مؤمنان طبق مفاد آیه ۹ سوره حجرات

۶: جهادِ رهایی بخش یا جنگ برای رهایی اقلیتی از مومنان که در بند و مورد ظلم و تجاوز در سایر کشورها یا بلاد کفر که فاقد قدرت دفاع از خود هستند.

۷: جنگ دفاعی

۸: جنگ قصاصی یا مقابله به مثل (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۱۲۴ تا ۱۳۹)

آیاتی که ذیل اقسام هشت گانه جهاد آمده و برخی دیگر نظیر آنها، برای برخی منشأ این توهم شده است که در اسلام جهاد ابتدایی وجود ندارد اما باید گفت: هرچند قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد آیات قرآن به جهاد دفاعی نظر دارد اما جواز جهاد ابتدایی در اسلام از ضروریات فقه اسلامی است و در اصل تشریع آن از سوی فقهای شیعه و سنی هیچ تردیدی وجود ندارد (همان: ۱۲۴ تا ۱۴۰) در اسلام، تنها ارزش اصیل و مطلق انسان، وصول به کمال نهایی خود خواهد بود بنابراین هر چیزی که باب این کمال خواهی و تقرب به خدا را ببندد و در پیش پای رهروان راه حق چاهی شود که در آن سقوط کنند... باید آن را از میان برداشت. هدف از بعثت انبیای الهی نیز چیزی جز این نبوده است. در اسلام چیزی گرانبه‌تر از دین حق نیست تا آنجا که در صورت لزوم برای حفظ دین، حتی از جان نیز - که حفظ آن از اهم واجبات است - باید گذشت و آن را سپردن نمود. بر اساس چنین دیدگاهی می‌توان گفت همه انواع جهاد در اسلام جنبه دفاعی دارد و حتی آن چیزی که در اصطلاح فقهی جهاد ابتدایی نامیده می‌شود با این ملاحظه جهاد دفاعی خواهد بود. به عبارت دیگر در جهاد اسلامی مسأله "دفاع" مطرح است با این تفاوت که "متعلق دفاع" متفاوت است گاهی دفاع از آب و خاک مطرح است، گاه دفاع از نفوس مسلمین، گاهی دفاع از عزت و شرف مسلمین و گاهی دفاع از حق خدای متعال که در اصطلاح فقهی جهاد ابتدایی نامیده می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۱۳۹ تا ۱۵۰)

۲: تفاوت جنگ و جهاد

۲-۱: تفاوت در اهداف جهاد و جنگ

در جنگ فقط هدف پیروزی و غلبه بر دشمن است و فرماندهان و طراحان جنگ مبنای اهداف خود را بر اساس خواسته‌های ریشه‌افکننده در خودخواهی و دنیاطلبی مثل جمع‌آوری غنایم، کشورگشایی، برتری‌جویی نژادی و... تثویر می‌کنند. اما اهداف جهاد جنبه و صبغه دینی و نوع دوستانه دارند، آقای مصباح فلسفه و اهداف جهاد را با بهره‌گیری از آیات قرآن در چهار دسته تقسیم بندی می‌کنند:

- دفاع از کیان اسلام و مسلمین
- مقابله با ظلم و فساد (آیه ۲۵۱ بقره)
- حفظ پایگاه‌های خداپرستی و توحید (آیه ۴۰ حج)
- دفاع از مظلومان و مستضعفان (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۱۶۱)

۲-۲: تفاوت در عوامل شکست در جنگ و جهاد

در بحث سنت‌های قرآنی حاکم بر تاریخ ابتدا می‌خوانیم که شکست و پیروزی در جنگ و جهاد تحت یک سری قواعد بشری عمومی قرار دارد پس تصریح می‌کند اگر مؤمنان عوامل طبیعی منجر به پیروزی را رها کنند حتماً شکست می‌خورند، مسلمانان نباید گمان کنند به واسطه این که مسلمانند لزوماً پیروز می‌شوند لذا باید عوامل شکست و پیروزی را شناخت تا در مسیر درست حرکت کرد. در جنگ حنین و احد عواملی همچون عدم بینش صحیح، تفرقه، نافرمانی (عامل شکست در جنگ احد)، عجب و غرور (عامل شکست در جنگ حنین) از عوامل شکست هستند. سه عامل اول از عوامل طبیعی شکست در همه جنگ‌ها از سوی همه افراد است، اما عامل عجب و غرور بیشتر عامل شکست در جهاد و مربوط به سنت‌های قرآنی است. در توضیح باید گفت در پاره‌ای از موارد، بعضی از شکست‌ها مثل شکست در نبرد حنین با وجود فراهم بودن بیشتر عوامل پیروزی نسبت به نبرد بدر سنت‌های الهی دیگری که مربوط به جهاد است جاری می‌شود. در بدر مسلمین نهایت تلاش، فرمانبرداری و اخلاص را به کار بردند و مشمول سنت امداد غیبی شدند. اما در حنین هدایت از مجرای شکست رخ داد یعنی خداوند از طریق شکست، افراد را در مرحله اول به واسطه‌ی ابتلا و گرفتاری به اصلاح و بازگشت به خویش دعوت نموده تا مسلمانان از مسیر بندگی دور نشوند و با تلنگر به جا در گناه مهلکی مثل عجب و غرور غوطه‌ور نشوند. (مرادخانی تهرانی، ۱۳۹۷، ۲۸۱ تا ۳۰۲)

۲-۳: تفاوت در عوامل پیروزی در جنگ و جهاد

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها بین جنگ و جهاد در زمینه پیروزی، وجود امداد غیبی در جهاد اهل حق است. خدا در قرآن به مؤمنان وعده امداد غیبی و نصرت الهی برای پیروزی می‌دهد، امدادهای غیبی شامل دو دسته اند:

امدادهای باطنی و امدادهای ظاهری. امدادهای باطنی و روحی که در روح مؤمنان دمیده می شود تا مومنان، دشمن را در مقابل خود ناچیز ببینند که مانع عقب نشینی و شکست ایشان می شود. روش های امداد باطنی و روحی شامل اول ایجاد رعب در دل کفار طبق آیه ۱۵۱ آل عمران، دوم ایجاد آرامش در دل مومنان طبق آیه ۴۰ توبه و سوم تصرف در درک و ارزیابی به نفع مومنان طبق آیه ۴۳ و ۴۴ سوره انفال به طوری که کفار سپاه مؤمنان را کم ارزیابی می کنند تا سلاح و نیروی زیادی به میدان جنگ وارد نکنند و مؤمنان هم دشمنان را کم و ناچیز به شمار می آورند تا نهراسند و از میدان فرار نکنند. دسته دوم امداد ظاهری و بیرونی اند یعنی حوادثی که در دنیای خارج و بیرون از روح و روان دو طرف اتفاق می افتد، مثل امدادهای طبیعی همچون طوفان و باد شدید طبق آیه ۹ سوره احزاب و مثل امدادهای غیرطبیعی مثل سپاهیان نامرئی و فرشتگان طبق آیات ۱۲۳ تا ۱۲۷ آل عمران (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۲۰۱ تا ۲۱۵). از این مطالب برخی مسلمین دچار توهم شده اند که در هر صورت پیروزند اما با مراجعه به خود قرآن و برخی غزوات صدر اسلام مثل بدر و حنین به این نتیجه می رسیم که نصرت الهی به اهل حق، مطلق نیست و مشروط به شرایطی است. بنای خداوند متعال در همه امور و شئون زندگی این است که حوادث و وقایع بر طبق علل و اسباب عادی و جریان طبیعی اتفاق بیفتد تا زمینه آزمایش و ابتلا پابرجا باشد. از سوی دیگر اراده تکوینی خداوند به پیروزی حق تعلق گرفته پس مؤمنان در جهاد به حال خود رها نمی شوند و در مواردی که لازم باشد خداوند امدادهای غیبی را به خدمت مومنان می گمارد تا سیر کلی و نتیجه نهایی پیکار حق و باطل به نفع مؤمنان باشد. در این مسیر بر مؤمنان لازم است که اولاً همواره در پی عمل به تکالیف الهی و دینی خود باشند و ثانیاً در این راه از همه مواهب مادی و اسباب و وسایل طبیعی که در اختیار دارند استفاده کنند و تا آنجا که توان دارند در انجام وظیفه کوتاهی نکنند. حال با توجه به این دو نکته، اگر مؤمنان بر دشمن پیروز شدند و قادر به پیروزی بر دشمن بودند دیگر نیاز به امدادهای غیبی نیست اما اگر با وجود همه کوشش ها و استفاده از همه امکانات و توان خود به مقصود نهایی دست نیافتند، خداوند متعال به اندازه نیاز و شایستگی ایشان، آنان را امداد و تأیید خواهد کرد. واضح است با وجود اینکه امداد غیبی مختص جهاد مخلصانه است اما اگر مؤمنان در انجام وظایف خود کوتاهی و سستی کنند لیاقت دریافت تائیدات الهی و امداد غیبی را از دست خواهند داد. شرایط و زمینه های دریافت امداد غیبی در جهت پیروزی در جهاد برای اهل حق عبارتند از:

- کمیت نیروی انسانی: مومنان زمانی اقدام به جهاد کنند که نیروی انسانی ورزیده و تربیت شده به مقدار کافی در اختیار داشته باشند، پس جامعه اسلامی در این زمینه باید همیشه نیروی به روز تربیت کند.
- فراهم آوردن وسایل مادی مورد نیاز در جنگ توسط مؤمنان جامعه اسلامی
- طبق آیه ۶۰ انفال آماده نمودن سازوبرگ نظامی و ابزار جنگی
- طبق آیه ۴۶ انفال نظم و انضباط و اطاعت از فرماندهی که مستلزم پرهیز از تفرقه و اختلاف در جنگ است

- طبق آیه ۷۱ نساء رعایت روش‌های نظامی و شگردهای جنگی
- آگاهی و هشیاری مسلمانان و سوء ظن داشتن به دشمن
- طبق آیه ۶۵ انفال آموزش و کسب علم و معرفت و اعتقاد درست
- طبق آیه ۱۲۵ انفال داشتن تقوا، صبر و بردباری
- طبق آیه ۲۵ توبه توکل و اعتماد درست به خدا
- طبق آیه ۱۴۷ آل عمران دعا و استغاثه به درگاه خدا (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۲۲۴)

در یک جمع بندی به موجب آیه ۳۰ سوره فصلت می‌توان گفت مجاهدان به میزان تلاش، صبر و استقامت خود از امدادهای غیبی برخوردار می‌شوند.

۲-۴: تفاوت در اولویت ها در جنگ و جهاد

اولویت در جنگ مباحث مادی مثل کشورگشایی و کسب ثروت و غارت، هوای نفس و اولویت‌های نژادی است اما اگر جنگ را با عنصر معنویت آمیخته کنیم می‌شود جهاد. حضور عنصر معنویت، عدالت، انصاف و حق طلبی در جهاد هم در نیت، و هم در نتیجه و پیامدهای جهاد و هم در فرآیند جهاد پررنگ است.

۲-۵: تفاوت در فواید جنگ و جهاد

علاوه بر آثار مخرب جنگ، مهم‌ترین فواید جنگ نیز در عناصر مادی و نفسانی ناشی از زیاده خواهی و حرص مثل کشور گشایی، غارت ثروت دیگران و برتری طلبی های موهوم مثل اثبات برتری نژادی خود و تحقیر دشمنان و پاکسازی وهمی نژادپرستانه خلاصه می‌شود. جنگ در فرهنگ امروزی آن قدر نتایج مخرب اش آشکار شده که حتی ملت‌های غربی و آمریکایی برای مبارزان بازگشته از جنگ های ویتنام و افغانستان و عراق نه تنها ارزشی قائل نیست بلکه از بازگشت آنان به جامعه خود وحشت دارد چرا که اخلاق و معنویت در آنان کم‌تر از دیگران است. اما در جهاد حقیقی به خاطر وجود عنصر معنویت و حاکمیت انصاف و اخلاق در آن، ویرانی ها تا حد امکان کم شده و فواید واقعی و انسانی تری بر آن مترتب می‌شود تا جائیکه جامعه اسلامی نه تنها از بازماندگان جنگ و از برگشت آنان به شهرها هراسی ندارد بلکه نهایت احترام و تواضع را در برابر آنان به انجام می‌رساند.

در کل سه فایده مهم بر جهاد نام برده‌اند که عبارت اند از:

- ایجاد روحیه فعالیت و جلوگیری از رخوت و سستی در کنار ایجاد روحیه سلحشوری و استقامت
- ایجاد احساس نیاز و کمبود: توجه جامعه نسبت به نیازمندی ها و کمبودهای خود

- ترویج اسلام : آشنا شدن با دین اسلام مثل آشنایی ایرانیان در دوران خلفای اول و دوم با دین اسلام و منش مساوات طلبانه و انسانی در جهاد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۶۰ تا ۶۲)

۲-۶: تفاوت در نگاه مجاهدان و جنگجویان به مرگ میدان نبرد

در مکاتب مادی مرگ مساوی است با نیستی و اتمام بهره از دنیا، با این نگاه مرگ در میدان نبرد هم خسران و خسارت بزرگ است. اما در قرآن مجید، حدود ده آیه به صورت صریح درباره کسانی که در راه خدا کشته شده باشند وجود دارد. از جمله مسائلی که در این آیات به آن اشاره شده است عبارت است از زنده بودن شهید، رزق شهید، آمرزش گناهان شهید، ضایع نشدن عمل شهید، مسرت و خوشحالی شهید، وارد شدن در رحمت الهی و رستگاری شهید. در صورتی که مرگ به شکل شهادت باشد، واقعاً یک دستاورد بزرگ به حساب می‌آید و برای شهید، مسرت در پی دارد. پیامبر درباره شهادت فرمود: هر صاحب عمل نیکی، فوق عملش، عمل نیکی هست، مگر شهادت که دیگر مافوق آن، عمل نیکی نیست. (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۶۰) پس در جهاد خسران ناشی از مرگ نداریم یا در صحنه‌های نبرد یا پیروزی ظاهری و مادی رخ می‌دهد یا شهادت که پدیده‌ای افتخارآمیز است نه مرگی طبیعی یا ملامت‌آمیز تا جائیکه حتی احکام غسل و تدفین شهید در میدان نبرد هم تسهیل می‌شود.

۲-۷: تفاوت در فرآیند، روش‌ها و چگونگی جهاد با جنگ

روش‌ها و اصولی که جهاد را در چارچوب انسانی قرار می‌دهند از این قرارند:

اصل اول: انجام عمل بر اساس دستورات الهی، در بیانات رسول خدا نیز بر انجام عمل بر اساس قوانین دینی تأکید شده است. در فتح مکه حضرت با صراحت فرمودند: «من هم پس از این مجاز نیستم با هیچ بهانه‌ای حرمت حرم را بشکنم» (واقعی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ۸۳۶). اصل دوم: خارج نشدن از مسیر عدالت و انصاف، پیامبر با تأسی آیه ۱۹۰ سوره بقره به مسلمانان سفارش می‌کرد که از حدود عدالت و انصاف خارج نشوند و در مسیر استبداد و ستمگری قدم نگذارند؛ چرا که خداوند ستمکاران و متجاوزان را دوست ندارد. اینکه اسلام تعدی و تجاوز در جنگ را نفی نموده است، به خاطر این است که در اسلام هدف از جنگ غلبه بر دشمن است و نه نابودی او و تخریب و ویرانی سرزمینش، پس وقتی هدف نابودی او نباشد، آزار و شکنجه دشمن نایستی در دستور کار قرار گیرد. به همین دلیل است که دستور می‌دهد، مراقب باشید تا در جنگها خلاف شئون انسانی

صورت نگیرد. در آیه ۱۹۵ بقره بر مراقبت رزمندگان اسلام از رفتارشان در جنگ صحه میگذارد. یعنی تأکید می‌شود که رزمندگان، وقتی در نبردهای مسلحانه با دشمنان مواجه شدند، احسان و نعدوستی را فراموش نکنند علامه طباطبایی در این باره مینویسد: «رفتار نیک و انسانی داشتن و با احسان برخورد کردن با دشمنان به منزله‌ی آن نیست که دست از جهاد بکشید و دشمنان را به حال خود رها سازید، بلکه منظور از احسان در این آیه آن است که عملیات رزمی در صحنه جهاد باید به گونه‌ای انجام گیرد که شایسته هر موقعیت باشد؛ آنجا که باید جنگید، بجنگید و آنجا که باید از جنگ دست بکشید، از خونریزی خودداری نمایند، جایی که مقاومت و شدت عمل می‌طلبد، مقاوم و جدی باشند، جایی که عفو و اغماض نیکو است از آن چشم‌پوشی نکنند و به بهترین وجهش انجام دهند» (علامه طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۹۳). رعایت تقوای فردی، حفظ حرمت اموال مردم و مراعات حال مردم غیر نظامی که در مسیر حرکت سپاه اسلام زندگی می‌کنند، یکی از ابعاد رعایت قانون و احکام الهی در امور نظامی است که رهبران معصوم اسلام بر آن تأکید کرده‌اند. بنابراین، رزمنده راه خدا، به این بهانه که به جهاد در راه خدا می‌رود، حق ندارد در مسیر خود کسی را آزار و اذیت کند یا از اموال مردم چیزی را به ناحق و بدون رضایت مالکانش بردارد و به خودش اختصاص دهد و یا به مردم ضرر برساند، مگر در موارد اضطرار که برای رفع گرسنگی چاره‌ای غیر از آن نداشته باشد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳، ۳۶۸) در مستند در لباس سربازی آقای خامنه‌ای به سوال رزمندگان در جریان آزادسازی خرمشهر اشاره دارد که با وجود گرسنگی از مواد غذایی مغازه‌ها و منازل استفاده نکرده بودند تا از مرجع تقلید استفتاء کنند. اصل سوم تبیین و فرصت تفکر و بازگشت قبل از شروع نبرد است که این تفاوت روشی وقتی روشن می‌شود که ما به سیرزندگی افرادی مثل عمار در صدر اسلام نظر می‌افکنیم می‌بینیم که با الگوگیری از معصومین در صحنه‌های نبرد بخش اعظمی از وقت شان در جنگ صرف شرح و تبیین تفاوت‌های روش متفاوت جهاد و جنگ با رزمندگان کرده‌اند. چراکه در جهاد اسلامی برای دشمن فرصت اندیشیدن و بازگشت به ندای فطرت قائل شده است بر همین مبنا امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جنگ نهروان نطق و روشنگری نمود و هشت هزار نفر از لشکر دوازده هزار نفری خوارج را از نبرد منصرف کرد و در جریان جنگ جمل بارها با زبیر صحبت کرد تا ایشان را از ادامه جنگ منصرف سازد و در آن گفتگوها منطق یا با ما یا بر مای جنگهای امروزی حاکم نبود و به دشمن فرصت کناره‌گیری از جنگ را نیز می‌دادند. همین رویه تبیین، پیش از نبرد در کربلا وجود داشت و امام حسین علیه السلام بارها با سپاه عمر سعد صحبت و روشنگری کردند که سبب هدایت تعدادی از افراد حاضر در لشکر عمر سعد شد و در رأس آنان حُرّ بن یزید ریاحی شد. لذا همانطور که خدا به بندگان فرصت توبه داده است در جریان جهاد هم فرصت توبه و جبران خطا از دشمن گرفته نمی‌شود. اصل چهارم در تفاوت روشی این است که در جهاد نمی‌توان از بی‌گناهان به عنوان سپر انسانی استفاده کرد زیرا در مکتب اسلام از بالاترین حرمت‌ها، حرمت حفظ حیات انسان‌های بی‌گناه است. پس در جهاد نمی‌توان بر سر بی‌گناهان بمب انداخت لذا استفاده از اسلحه در اسلام کورکورانه نیست چرا که در اسلام هم حفظ حیات بی‌گناهان مهم است و هم نمی‌خواهد برای پیروزی سازوکاری را مجاز بدانند که مانع رشد معنوی مجاهدان و

عامل قسی القلب شدن مجاهدان شود. بر همین مبنا است که می بینیم جامعه ایران اسلامی از بازگشت مبارزان به شهرها و از آزاد شدن آزادگانی که در جریان جنگ تحمیلی هشت ساله به وطن شاد می شود و در بازگشت ایشان جشن می گیرد اما مردم در جامعه آمریکا پس از اتمام جنگ ها از بازگشت رزمندگان شان دچار ترس و اضطراب می شوند و به این موضوع حتی در سینمای شان هم پرداخته می شود. « یکی از بچه های نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی ایران می گفت: یک دوره تربیتی در آمریکا داشتیم، جز برنامه های ما در آن چند ماهه این بود سرهنگی را که از جنگ ویتنام آمده بود مدتی با ما هم اتاقی کرده بودند خودش هم متوجه نشده بود که چرا این کار را کردند. حالت خاصی داشت و تعریف می کرد تعداد زیادی را در جنگ ویتنام کشته می گفت: من اصلا فکر نمی کردم که چرا کشتم و این ها که کشتم چه می شدند، اگر بخواهم به این ها فکر کنم دیوانه می شوم. دستور دادند من هم کشتم الان هم به من دستور بدهند که مثلا تو را بکشم می کشم اصلا برایم مسئله ای نیست که من با تو هم اتاقی بودم و دستش را جوری حرکت می داد که من ترسیدم الان مرا بکشد». (صفایی حائری، ۱۴۰۳، ۳۱). اصل پنجم اینکه در جهاد چهارچوبی برای رفتار عادلانه با محیط زیست مشخص شده است مثلا نباید آب و هوا را سمی کرد و بر این مبنا است که رهبر جمهوری اسلامی ایران در فتوای خود استفاده از بمب های شیمیایی، میکروبی و هسته ای را حرام اعلام نموده اند. مثال دیگر اینکه در جهاد نمی توان به راحتی درختان را قطع کرد: آقای جوادی آملی در کتاب مفاتیح الحیات حقوق را در دین اسلام به چهار دسته تقسیم کرده اند و احادیث معتبر را ذیل این چهار دسته آورده اند و یکی از این دسته بندی ها، حق طبیعت است یعنی یک مسلمان همانطور که در برابر آفریدگار، در برابر دیگر انسان ها و در برابر جسم و جان خود مسئول است در برابر طبیعت نیز مسئول است و نمی تواند با در برابر حق حیاتی که خداوند متعال برای آن ها به ما شناسانده سرکشی کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۴۵ تا ۴۸) در فتح مکه، در مسیر راه رسول خدا (ص) ماده سگی را دیدند که توله هایش مشغول شیر خوردن بودند و حیوان با دیدن لشکر، سراسیمه شده و زوزه می کشید. حضرت به مردی از سپاه به نام جعیل بن سراقه امر فرمودند که همان جا بایستد تا کسی از سپاه متعرض حیوان و توله هایش نشود. (واقدی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ۸۰۴). اصل ششم اینکه در جهاد نمی توان از زنان برای رفع نیازهای جنسی و تقویت روحیه مبارزان - مثل آنچه در مسیحیت در جریان جنگ های صلیبی وجود داشت و سپس تحت عنوان جهاد نکاح به عنوان یک بدعت زشت وارد کشورهای مسلمان تحت لوای داعش شد - بهره برد. چون در اسلام نمی توان از بدن و جنسیت زنان برای پیشبرد اهداف جهاد و حربه زدن به دشمن بهره ای ابرای برد. تاریخ در جریان فتح آندلس اسلامی شاهد مسیحیانی بود که برای غلبه بر مسلمانان از دختران زیباروی مسیحی به عنوان ابزار نفوذ برای گسترش فساد اخلاقی و سست کردن مجاهدان مسلمان و سرگرم کردن آنان به حرام استفاده کردند، اما اسلام در هیچ شرایطی جسم، عاطفه و عفت زنان را قربانی پیروزی بر خصم قرار نمی دهد. اصل هفتم از روش ها و قواعد انسانی حاکم بر جهاد این است که نمی توان کسانی را که اسلحه به دست نگرفته اند را کشت. خداوند در آیه ۱۹۰ بقره در این باره می فرماید: و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید؛

به درستی که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد. دلالت آیه شریفه مذکور بر مصونیت غیرنظامیان در عبارت الذین یقاتلونکم به معنی فقط با کسانی بجنگید که در حال جنگ با شما هستند نهفته است. مفسران قرآن کریم، اصل ضرورت تمایز میان جنگجویان و غیرجنگجویان، تفکیک اهداف نظامی از غیرنظامی و نیز لزوم حمایت از زنان و کودکان را از عبارت برداشت کرده‌اند. در این باره آیت الله مکارم میگوید: «افرادی که سلاح بر زمین بگذارند و کسانی که توانایی جنگ را از دست داده‌اند یا اصولاً قدرت بر جنگ ندارند؛ همچون مجروحان، پیرمردان، زنان و کودکان، نباید مورد تعدی قرار گیرند حتی باغستانها و گیاهان و زراعتها را نباید از بین ببرند و مواد سمی برای آلوده کردن آبهای آشامیدنی دشمن نباید استفاده کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۰) طبرسی نیز می‌گوید: «مقصود از این آیه اینست که مسلمانان مأمور شدند که فقط با مردان بجنگند نه زنان» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۰) بنابراین از این آیه یک قاعده کلی استفاده می‌شود که هرگز غیرنظامیان نباید در زمان جنگ مورد تعرض و تجاوز واقع شوند؛ زیرا آنان به مقاتله برخواسته‌اند و مصونیت دارند. افرادی همچون مجروحان، پیرمردان، زنان و کودکان و در مجموع کسانی که توانایی جنگیدن ندارند، نباید مورد تعدی و تجاوز قرار گیرند. (جعفری، ۱۳۹۷، ۶۷ تا ۹۴) در این باره در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: رسول خدا (ص) هنگامی که می‌خواستند گروهی را به جنگ بفرستند، ابتدا آن‌ها را فرامی‌خواندند و ایشان را در مقابل خود می‌نشانند و سپس می‌گفتند: "به نام خدا و در راه خداوند و بر روش رسول خدا حرکت کنید و در مورد غنائم جنگی خیانت نکنید و مثله (تکه تکه کردن اعضای بدن) نکنید و مرتکب خیانت نشوید و پیر مردان و کودکان و زنان را نکشید و هیچ درختی را قطع نکنید مگر آن که مضطر و ناچار به انجام آن شوید و هر یک از مسلمانان - چه فرد ناشناس و دارای مراتب پایین و چه فرد سرشناس و دارای مراتب عالی - فردی از دشمن را مورد حمایت و امان خود قرار داد، او در پناه است تا زمانی که کلام خدا را بشنود. اگر از شما پیروی کند که برادر دینیتان است و اگر چنین نکند، او را به پناهگاه و مامنش برسانید و در مورد او از خداوند یاری بجوئید." (الکلینی الرازی، ۱۴۰۷ق، ۴۰۸ و ۴۰۹). اصل هشتم در جهاد این است با همه دشمنان پس از شکست دادن دشمن هم قواعدی وجود دارد هرچند این قواعد کلی و یکسان نیست اما طبق شرایط و ظوابطی مشخص تعریف شده است. درست است که به طور یکسان با همه شکست‌خوردگان برخورد نمی‌شود، اما قاعده کلی برخورد طبق سه اصل اجرا می‌شود:

۱: وجود سازماندهی یا عدم سازماندهی یا وابستگی‌های شبکه‌وار دشمن به سایر دشمنان

۲: وجود پیمان دشمن با مسلمانان و سابقه عهد شکنی دشمن

۳: در موضع قدرت و مسلط بودن مسلمانان یا عدم آن.

یعنی اگر دشمنان سازمان نیافته باشند و هرچه مسلمانان قدرتمندتر باشند از شدت برخوردها پس از پیروزی کمتر و میزان عفو بیشتر می‌شود مثل جریان فتح مکه و بخشش عمومی کفار مکه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آن روز را یوم المرحمه نامید. اما اگر مسلمانان از نظر قدرت در سطح متوسط و دشمنان

سازمان یافته و در همکاری با دشمنان خارجی باشد و یا با وجود عهد و پیمان دست به پیمان شکنی زده باشند برخوردها پس از پیروزی مسلمانان بر دشمن جدی تر می شود مثل جریان پیمان شکنی یهودیان مدینه و هم دستی آنان با کفار در نبرد احزاب که بر خلاف پیمان نامه عمومی با پیامبر در مدینه که ملزم به دفاع از شهر بودند اما نه تنها دفاع نکردند بلکه با کفار مکه برای نابودی اسلام همکاری کردند. اصل نهم حقوق اسرا است و اینکه نمی توان حقوق انسانی اسرا را نادیده گرفت. سوره انسان در شأن و تمجید خانواده حضرت فاطمه که غذای خود را به اسیر دادند درحالی که به آن غذا نیاز داشتند نازل شد. در اسلام حتی به حقوق اسیرانی که علیه جان حاکم و مقامات بلند پایه اسلامی اقدامی نموده اند پرداخته شده است مثل مولای متقیان امام علی علیه السلام در ایام ضربت خوردن که قبل از اینکه خود غذا بخورد جویای احوال ضاربش می شود که آیا به او آب و غذا داده اند یا خیر و سفارش به خوش رفتاری با او در اسارت می نماید. (شیخ محمدی، ۱۳۹۲، ۸۱ تا ۹۹) برخی مصادیق احترام به حقوق اسیران در سیره پیامبر در تاریخ اسلام، در منابع مختلفی آورده شده اند به عنوان مثال، در کتاب "سیرت النبی" نوشته ابن هشام، به تأمین غذای مناسب برای اسیران، در "الطبقات الکبری" نوشته ابن سعد، به شرایط نگهداری اسیران مثل پوشش و احترام به آنها در "صحیح بخاری" و "صحیح مسلم"، احادیثی وجود دارد که پیامبر به سپاهیان خود دستور می دادند که از آزار و اذیت اسیران خودداری کنند، در "تاریخ طبری" در جریان نبرد بدر به آزادی اسیران با پرداخت فدیة اشاره دارد. در جنگ بدر، برخی از اسیران به عنوان معلم به مسلمانان آموزش دادند و در ازای آموزش آزاد شدند. این موضوع در "تاریخ یعقوبی" و "تاریخ طبری" ذکر شده است. (امین رستمی، ۱۳۸۷، ۵) و بر همین مبنا بود که جمهوری اسلامی ایران با اسرای عراقی در جنگ تحمیلی کریمانه برخورد می کرد که نه تنها از حقوق مادی در ایران بلکه از حقوق معنوی یک مسلمان مثل حق رفتن به نماز جمعه برخوردار بودند و همین برخوردها با اسرا و رعایت قاعده عدم استفاده از سلاح کور نسبت به مردم شهرها و روستاهای عراق، زمینه ساز میزبانی عظیم عراقی ها از ایرانی ها در جریان پیاده روی های اربعین شد. اصل دهم برخورد کریمانه با مجروحان دشمن و منع شکنجه و رفتار تحقیرآمیز با آنان است، تأکیدی وجود دارد که در جهاد نمی توان حیات را از زخمی ها گرفت و به پرهیز از کشتن مجروحان و پرهیز از مثله کردن و قطع کردن اعضای بدن دشمن سفارش شده است درباره رفتار نیک با بازماندگان دشمن آورده شده که "چون آتش جنگ فروکش می کرد، امام علی (ع) دستور می داد که با سپاه شکست خورده، مجروحان، اسیران و بازماندگان سپاه دشمن، بویژه با زنان، نهایت خوش رفتاری انجام شود، همچنین دستور می داد تا فراریان را دنبال نکنند، مجروحان را نکشند، به خانه های مردم وارد نشوند، از اموال مناطق فراچنگ آمده - جز آنچه در اردوگاه دشمن می یابند - چیزی برندارند، هرگز به زنان آزار نرسانند و متعرض آنان نشوند، گرچه به آنان و فرماندهان نبرد، ناسزا بگویند. (امین رستمی، ۱۳۸۷، ۱۰ تا ۱۲). اصل یازدهم از مصادیق مهم رفتار انسانی، حفظ حرمت اجساد دشمن است و در این راستا می توان به منع مثله کردن یا تکه تکه کردن اعضای اجساد دشمن اشاره کرد. در زمانی که مثله کردن افراد دشمن امری عادی و رایج بود، اسلام رسماً پیروان خود را از انجام این کار منع کرد. برای مثال در

نبرد احد، مشرکان جسد حمزه عموی پیامبر مثله کرده بودند، مسلمانان درصدد مقابله به مثل برآمدند که پیامبر دستور صریح را به مسلمانان صادر کرد که حتی یک سگ را هم مثله نکنید (وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۹۶، حدیث ۶)

۳- جدول خلاصه مقایسه جهاد و جنگ

چارچوب‌ها:	جهاد:	جنگ:
بار ارزشی در قرآن:	مثبت	منفی
اهداف:	دفاع از اسلام، دفاع از مسلمین و مبارزه با ظلم	پیروزی و غلبه بر دشمن
عوامل شکست:	-عوامل مادی بعلاوه -سنت هدایت از مجرای شکست	عوامل مادی
عوامل پیروزی:	امدادغیبی و نصرت الهی مشروط به تلاش، صبر و استقامت	عوامل مادی
اولویت‌ها:	آمیخته با معنویت، عدالت، انصاف و حق طلبی	آمیخته با هوای نفس، برتری جویی نژادی، کشورگشایی و غارت
فواید:	ایجاد روحیه سلحشوری، استقامت، ترویج اسلام	کشورگشایی غارت ثروت‌ها تغلب
نگاه مجاهدان به مرگ	تبدیل مرگ به شهادت	تساوی مرگ با خسارت
ممنوعیت‌های روشی:	۱. منع کشتار زنان و کودکان ۲. منع کشتار افرادی که توانایی جنگ ندارند، مانند پیرمردان ۳. منع کشتار افراد بدون سلاح و افرادی که در جنگ شرکت ندارند ۴. منع گسترش جنگ به خارج از میدان جنگ، مانند از بین بردن اموال، حیوانات، گیاهان ۵. منع تعدی از قتل به مثله کردن ۷. منع کشتن مجروح و فراریان پس از شکست ۸. منع استفاده از ابزار غیر متعارف برای کشتن، مانند آلوده نمودن آبهای مصرفی دشمن	بدون محدودیت و ممنوعیت مثل تاریخ استعمار، جنگهای قرن ۲۰ و ۲۱ و استفاده از انواع سلاح‌های ممنوعه شیمیایی، اتمی، بیولوژیک، کشتار دسته جمعی، نسل کشی، کودک‌کشی و ...

	۹. ممنوعیت امان ندادن به افراد دشمن ۱۰. ممنوعیت تخریب طبیعت و ممنوعیت قطع درختان	
--	--	--

نتیجه گیری

در این تحقیق به چارچوب‌های جهاد پرداخته و تفاوت‌های جنگ و جهاد را روشن ساختیم و دانستیم که بین این دو مفهوم تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد. این تفاوت‌ها در پاک‌سازی چهره خشنی که از جنگ در اسلام در دنیای کنونی ارائه شده نقش به‌سزایی دارد. این تفاوت‌ها در جنبه‌های مختلف اهداف و نیت، عوامل شکست و پیروزی، اولویت‌ها، فواید، و روش‌ها و قواعد جهاد تقسیم‌بندی شدند و مشخص شد که در جهاد هدف دفاع از کیان اسلام و مسلمین، مقابله با ظلم و فساد، حفظ پایگاه‌های خداپرستی و توحید و دفاع از مظلومان و مستضعفان است نه چون جنگ که با اهدافی چون خودخواهی، کشورگشایی، کسب غنائم و... همراه است. اولویت در جهاد حضور عنصر معنویت، عدالت، انصاف و حق‌طلبی است اما در جنگ تسلط بر منابع مادی، هوای نفس و اولویت‌های نژادی مطرح می‌شود. در روش‌های جهاد چارچوب‌های الهی و انسانی حاکم است همچون پرهیز از کشتن بی‌گناهان، رعایت حقوق اسیران، پرهیز از کشتن مجروحان و پرهیز از تعقیب فراریان، پرهیز از مثله کردن جنازه دشمن، پرهیز از تخریب طبیعت و قطع درختان، پرهیز از آلوده کردن آب و... اما در جنگ اندیشیدن به پیروزی همه وسیله‌ها و ابزارهای غیرانسانی را توجیه می‌کند. به امید روزی که اسلام ناب محمدی در همه زمینه‌ها و با همه جزئیات الهی و انسانی برای همه مردم دنیا آشکار شود و همه مسلمین با عمل به قرآن و سیره پیامبر مانع سوء برداشت از مفاهیمی چون جهاد شوند.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- ۱- جوادی آملی، عبدالله. **مفاتیح الحیات**، نشر اسراء، قم: ۱۳۹۱ ش
- ۲- خرازی، سید محمد حسین و علیرضا جعفری. **شرح کتاب جهاد من شرایع اسلام**، نشر موسسه راه حق، قم، ۱۳۶۱ ش
- ۳- خمینی، روح اله. **تحریر الوسيله**، جلد دوم باب جهاد، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، چاپ ششم، انتشارات دارالعلم، قم، ۱۳۸۱
- ۴- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷
- ۵- راغب اصفهانی، حسن بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، ترجمه حسین خداپرست، دفتر نشر نوید اسلام، قم، ۱۳۸۷ ش
- ۶- شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۳۷۱
- ۷- صفایی حائری، علی، **مدیریت و سازندگی**، انتشارات لیلہ القدر، قم، ۱۴۰۳
- ۸- طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، انتشارات ناصر خسرو تهران، ۱۳۷۲
- ۹- طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰
- ۱۰- عاملی، شیخ حر. **تفصیل وسائل الشیعه**، جلد پنجم، نشر مرکز امام حسن مجتبی، بیروت، ۱۴۲۲ ه.ق
- ۱۱- عمید زنجانی، عباسعلی، **فقه سیاسی**، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳
- ۱۲- قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، چاپ ششم، نشر مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران، ۱۳۹۰
- ۱۳- کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۷ ق
- ۱۴- مطهری، مرتضی. **امدادهای غیبی در زندگی بشر**، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۹
- ۱۵- _____، **جهاد**، چاپ هجدهم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۹۰

۱۶- مصباح یزدی، محمد تقی و محمدحسین اسکندری و محمدمهدی نادری قمی. **جنگ و جهاد در اسلام** ، چاپ دوم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۳

۱۷- محمدی ری شهری، محمد، **دانش نامه امیرالمؤمنین**، نشر دار الحديث، قم، ۱۳۸۴

۱۸- _____، **میزان الحکمه**، ترجمه حمید رضا شیخی، چاپ اول، نشر دار الحديث، قم، ۱۳۷۷

۱۹- مرادخانی تهرانی، احمد، **سنت های اجتماعی الهی در قرآن**، چاپ پنجم، نشر جامعه المصطفی، قم، ۱۳۹۷

۲۰- واحد آموزش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، **جنگ و جهاد در قرآن**، چاپ اول، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۰

۲۱- واقدی، محمد بن عمر، **المغازی**، تحقیق مارسون جونس، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۱ق

مقالات

۱- امین رستمی، علی، **قانون مداری در سیره نظامی رسول خدا(ص) و امیرمؤمنان(ع)** ، مجله علمی پژوهشی تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱۹، ۱۳۸۷ش

۲- جعفری، سید اصغر، **اصول ممنوعه نظامی در مخاصمات مسلحانه مبتنی بر سیره نبوی**، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۷

۳- شیخ محمدی، محمد حسین، **تحلیلی فقهی بر حمایت غیرنظامیان در جنگ و مخاصمات مسلحانه**، دوفصلنامه علمی تخصصی پژوهشنامه فقهی، پاییز و زمستان ۱۳۹۲